

مسجد سنگی در باغ بابر

احمد علی کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

شاه جهان پنجمین پادشاه دودمان کورگانی اولاده بابر است که بتاریخ ۲۹ ربیع الاول ۱۰۰۰ هجری قمری در لاهور متولد شد. وی پسر سوم جهانگیر است. از طفلی تا جوانی به «سلطان خرم» ملقب بود و مادرش «نواب جوره باهی» نام داشت و دختر راجه بهگوان داس راجه «جووهپور» بود و در دامان تربیه رقیه سلطان بیگم، دختر میرزا هندال، زن جلال الدین اکبر که در اولین مرتبه باغ بابر آرامیده است، تربیت یافته بود. شاه جهان بتاریخ ۷ جمادی الثانی ۱۰۳۷ هجری قمری در اکبر آباد بر تخت نشست و ۷۶ سال عمر کرد و روز دوشنبه ۲۶ رجب ۱۰۷۶ بعد از ۳۲ سال سلطنت پدرود حیات گفت.

شاه جهان چه در زمان جوانی و شهزادگی و چه در دوره سلطنت و زمامداری به کرات به کابل سفرها کرده و در دوره پادشاهی خویش چهار مرتبه در سال های ۱۰۴۹، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷ و ۱۰۶۲ بکابل آمده و هر دفعه مدتی در ین شهر اقامت نمود.

دوره طولانی سلطنت شاه جهان در هند از نظر آبادی و عمران و ذوق هنر معماری مترقی ترین دوره ایست که در طی آن قریحه معماری به اوج تعالی رسید. شاه جهان مرد با دیانت و صاحب ذوق و سلیقه بود و به آبادی و عمران دلچسپی تام داشت و مخصوصاً به آبادی مساجد شوق زیاد داشت چنانچه مسجد های زیادی در عصر او در هند ساخته شده که مهمترین آن جامع مسجد دهلی، موتی مسجد و رنگه مسجد قلعه آگره، جامع مسجد آگره، مسجد تاج، مسجد فتح پور سکری، شاه جهان مسجد اجمیر و مسجد وزیر خان در لاهور میباشد. مسجد سنگی باغ بابر که عنوان این مقاله قرار داده شده است هم از آبادی های اوست.

اصلاً علت اساسی آبادی مسجد سنگی در باغ بابر وصیت خود ظهیر الدین محمد بابر بود که نمیخواست بر مزارش آبادی بعمل آید و شاه جهان بنا بر احترام این وصیت از بنای بقعه ئی بر مزار جد خود صرف نظر نموده و در مرتبه پایان تر باغ به تعمیر مسجدی اقدام نمود. پادشاه نامه تصنیف ملا عبدالحمید لاهوری طبع کالج پرس کلکته که شرح سلطنت شاه جهان را احتوا میکند در ین مورد مینویسد:

"به موجب وصیت حضرت فردوس مکانی به افراختن عمارتی بر آن مرقد غفران مورد که در درجه چهاردهم است نپرداخته به بنای مختصر مسجدی از سنگ مرمر در مرتب، پائین آن امر نمودند." پس علت اساسی تعمیر این مسجد این بود که شاه جهان بر مزار جدش عمارتی ساخته نمیتوانست لذا به بنای مسجد امر داد.

واقعاً در میان همه آبادی هائی که شاه جهان در کابل نمود، مسجد سنگی باغ بابر قشنگترین خاطره ئی بود که بیشتر دوام کرد و هنوز هم بکلی از میان نرفته است. اصلاً باغ بابر بنا بر شهادت متون تاریخی ۱۵ مرتبه داشته، مزار بابر در مرتبه چهاردهم و مسجد سنگی در مرتبه سیزدهم قرار دارد. چون در کتیبه مسجد از فتح بلخ و بدخشان و فرار نذر محمد خان والی آن وقت بلخ، از بلخ به شبرغان یاد آوری شده است، برخی کسان تصور کرده اند که این مسجد بضرض یاد بود فتح مذکور آباد شده است حال آنکه این مفکوره بی اساس است و اصل قضیه قراریکه شرح دادیم طور دیگر بوده و مسئله فتح بلخ ضمنی و در جریان آبادی تعمیر مسجد بوقوع پیوسته و در ختم تعمیر در تیبه از آن هم تذکاری بعمل آمده است.

در خود کتیبه مسجد از تاریخ آغاز بنای کار تعمیر زکری نشده و اتمام آن به " آخر سال نوزدهم جلوس میمنت مانوس موافق ۱۰۶۵ هجری" نسبت داده شده. پادشاه نامه در ین مورد میگوید: "در سر آغاز سال هژدهم اساسی گذاشته اند و در اخیر سال نوزدهم بعد فتح بلخ و بدخشان در عرض دو سال به صرف سی هزار روپیه در غایت مطبوعیت خوش طرحی و کمال لطافت و نظافت انجام پذیرفت".

شبه ئی نیست که جمله «بعد فتح بلخ و بدخشان» در متن کتیبه هم آمده و کتیبه طبیعی بعد از اتمام کار مسجد و بعد از فتح بلخ و بدخشان نوشته و نصب شده است و منطقی ترین صورت تحلیل واقعات و ارتباط آن با کار تعمیر مسجد سنگی چنین است که کار مسجد در آغاز سال ۱۰۵۶ شروع شده، در حالیکه سوقیات طرف بلخ قبلاً آغاز یافته بود. سپس در طی جریان کار خبر فتوحات و فرار نذر محمد خان والی بلخ به کابل موصلت کرد. در ین وقت دوره دوم اقامت شاه جهان در کابل خاتمه یافت و به هند مراجعت نمود و باز بار سوم در ۱۰۵۷ به کابل آمد و بتاریخ سلخ ربیع الاول سال مذکور داخل شهر گردید و تا اواخر رجب سال مذکور در کابل ماند و حضور او در تسریع امور عمرانی مسجد تأثیر زیاد وارد کرد.

بهر حال تعمیر مسجد سنگی شاه جهان دو سال وقت گرفت که عبارت از سال های ۱۰۵۶ و ۱۰۵۷ هجری قمری است. در باب مخارج تعمیر مسجد میان کتیبه مسجد و پادشاه نامه اختلاف است زیرا کتیبه میزان مخارج را چهل هزار و پادشاه نامه سی هزار نوشته اند.

مسجد سنگی شاه جهان در باغ بابر شاه مسجدی است بسیار کوچک که طول آن از ۱۰ متر و عرض آن از ۵ متر تجاوز نمیکند ولی تمام ممیزات عمرانی مساجد عصر شاه جهان را نشان میدهد. این مسجد چند سال قبل نظر به شکستی که وارد شده بود تخریب و به اساس سابق در حالیکه هر سنگ آن با نمره مخصوصی ثبت گردید، بعد از شست و شو و صیقل کاری به همان روش سابق به جاهای معینه نصب گردیده و کار آن پیشرفته امید است بقیه امور مربوطه هم به آخر برسد و این بنای تاریخی که یکی از ابدات نفیس شهر کابل است بکلی از بین نرود.

در آخر متن کتیبه مسجد را ذیلاً نقل میکنیم:

"این مسجد لطیف و معبد شریف که سجدگاه قدوسیان و جلوه گاه کروبیان و بفرمان ادب در حریم محترم این گذرگاه ملاً اعلی نظرگاه عالم بالا یعنی روضه منور پادشاه غفران پناه رضوان رستگاه حضرت فردوس مکانی ظهیر الدین محمد بابر شاه غازی جز آن عمارتی نتوان ساخت بفرموده این نیازمند تمام شکر سراسر ستایش سراپا نهایش درگاه الهی ابومظفر شهاب الدین محمد صاحب قران ثانی شاه جهان پادشاه غازی بعد از فتح بلخ و بدخشان و فرار نذر محمد خان از بلخ به شبرغان و تعاقب فریقی از کار طلبان و نبرد ارائی او در آن سرزمین با آن گروه فیروزی نشان و هزیمت او و ظفر سپاه رزمخواه در آن میدان محض کرم کار ساز حقیقی نصیب این نیازمند و دولتخواهان این بنده شرمنده احسان یزدان گشته اخر سال جلوس میمنت مانوس موافق ۱۰۶۵ هجری در عرض دو سال بچهل هزار روپیه انجام یافت." /۱۴/ جوزا ۱۳۳۷/